

دکتر رابرت سی. نیومن، معجزات، جلسه ۲ عهد جدید، آپوکریفا و دوره‌های قرون وسطی

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

خب، ما تازه شروع کردیم، چیزی که فکر می‌کنم می‌توانیم هفت جلسه در مورد معجزات و معجزات عیسی در نظر بگیریم. دفعه قبل به جلسه اول نگاهی انداختیم که اساساً کمی در مورد تعریف معجزات صحبت می‌کرد، و سپس یک بررسی سریع از معجزات عهد عتیق انجام دادیم، و سپس از معجزات عیسی و انجیل‌ها گذشتیم، و به معجزات رسولان، عمدتاً در اعمال رسولان، پرداختیم. واحد بعدی ما در اینجا شماره دو است. معجزه در قرون وسطی اهمیت دارد، بنابراین ما با دوره پس از رسولان شروع می‌کنیم و به آنجا نگاه می‌کنیم.

و اکنون از روایت‌های الهامی کتاب مقدس از معجزات به روایت‌های غیرالهام‌بخش اما ظاهراً مسیحی می‌پردازیم. ما با آنچه که به آپوکریفای عهد جدید معروف است، آغاز خواهیم کرد، همانطور که در اثر جی کی. الیوت (۱۹۹۳) (و در هنپین اشمنلشر) ۱۹۶۳ (یافت می‌شود. ما فقط چند مورد را انتخاب خواهیم کرد؛ قرار نیست کل ماجرا را بررسی کنیم.

بنابراین، ما اول از همه به انجیل اولیه یعقوب نگاهی خواهیم انداخت. این روایتی از وقایعی است که گمان می‌رود تا تولد عیسی رخ داده باشد. احتمالاً در اواسط تا اواخر قرن دوم میلادی نوشته شده است و در تاریخ کلیسا در توسعه ارادت به مریم بسیار تأثیرگذار بوده است، که می‌توان گفت در این مطالب بسیار بزرگنمایی شده است.

بنابراین، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که به صورت فصل به فصل، آنچه را که در آن کتاب می‌یابیم، برای شما شرح دهم. در فصل اول، یواخیم، یک یهودی ثروتمند و پرهیزگار، به دلیل بی‌فرزند بودن، هدایایش رد می‌شود. او به بیابان می‌رود تا ۴۰ روز روزه بگیرد.

در فصل‌های دو و سه، همسرش آنا نیز مورد سرزنش قرار می‌گیرد و او از خدا فرزندى طلب می‌کند. در فصل‌های چهار و پنج، فرشته‌ای نزد آنا و یواخیم فرستاده می‌شود و پاسخ دعاهاى آنها را اعلام می‌کند. در سراسر جهان از فرزندان آنها سخن گفته خواهد شد و سپس مریم متولد خواهد شد.

این فرزند آنهاست. در فصل ششم، مریم در شش ماهگی راه می‌رود و در خانه و در یک پناهگاه ویژه نگهداری می‌شود تا از هرگونه آلودگی در امان باشد. در فصل هفتم، مریم در سه سالگی، احتمالاً مانند سموئیل، به معبد تقدیم می‌شود و روی پله‌های محراب می‌رقصد.

در فصل هشتم، در سن دوازده سالگی، برای جلوگیری از آلودگی معبد به دلیل قاعدگی، فرشته‌ای به زکریا کاهن اعظم، دستور می‌دهد که مریم را به همسری مردی بیوه که خدا تعیین خواهد کرد، بدهد. در فصل نهم، یوسف توسط کبوتری که از عصایش بیرون می‌آید، انتخاب می‌شود، برخلاف دیگر بیوه‌هایی که ظاهراً در این مسابقه هستند، و او مریم را به خانه می‌برد. سپس یوسف، که یک بنا است، به یک پروژه ساختمانی می‌رود.

در فصل‌های ۱۰ تا ۱۲، مریم یکی از باکره‌هایی است که برای ساختن پرده معبد انتخاب شده است. مریم پیمای از فرشته در مورد عیسی دریافت می‌کند. او کار پرده خود را تحویل می‌دهد و به دیدار الیزابت می‌رود.

در فصل‌های ۱۳ تا ۱۶، مریم ۱۶ ساله، شش ماهه باردار است که یوسف بازمی‌گردد. یوسف داستان مریم را باور نمی‌کند تا اینکه فرشته بر او ظاهر می‌شود. بارداری مریم برای کاهنان آشکار می‌شود و آنها هر دو را احضار می‌کنند.

آنها داستان‌هایشان را باور نخواهند کرد تا زمانی که در آزمایش آب تلخ موفق شوند. فصل‌های ۱۷ تا ۱۸، فرمان آگوستوس. مریم و یوسف و فرزندان.

یوسف، یادتان هست، در این داستان، مردی بیوه است، بنابراین چند فرزند دارد. مریم، یوسف و فرزندان به بیت لحم می‌روند، اما مریم در آستانه زایمان در بیابان است، بنابراین او را در غاری قرار می‌دهند. وقتی یوسف برای یافتن قابله می‌رود، تمام دنیا از تولد عیسی متوقف می‌شود.

در فصل‌های ۱۹ تا ۲۰، یوسف و قابله ابری را می‌بینند که بر غار سایه افکنده است، سپس نوری عظیم نوزاد از سینه مریم بالا می‌رود. قابله این را به دوستش سالومه می‌گوید، که تا زمانی که بکارت مریم را آزمایش نکند، به تولد از باکره ایمان نخواهد آورد.

دست سالومه به عنوان مجازات سوزانده می‌شود اما با لمس عیسی نوزاد شفا می‌یابد: فصل ۲۱، دیدار مردان خردمند. در فصل‌های ۲۲ تا ۲۴، هیروودیس سعی می‌کند کودکان خردسال را بکشد.

مریم نوزاد را در آخور گاو پنهان می‌کند. الیزابت و یوحنا در کوهی بلعیده می‌شوند و پنهان می‌شوند. هیروودیس زکریا را، به یاد دارید که او پدر یوحنا است، در معبد پیدا می‌کند و او را به قتل می‌رساند.

خون او به سنگ تبدیل می‌شود. دیوارهای معبد ناله می‌کنند. شمعون به جای زکریا به عنوان کاهن اعظم منصوب می‌شود.

فصل ۲۵، من، یعقوب، که برادر ناتنی بزرگتر عیسی است، این را نوشتم و در بیابان پنهان شدم. بنابراین این انجیل اولیه یعقوب است. ثانیاً، داستان کودکی توماس، زمانی انجیل توماس نامیده می‌شد، اما با کشف مطالب عرفانی آن نام، آن نام از این یکی تغییر کرد.

خب، داستان نوزادی توماس. این روایتی از شگفتی‌هایی است که ظاهراً در دوران کودکی عیسی تا سن ۱۲ سالگی رخ داده است. بخش‌هایی از آن به اواخر قرن دوم میلادی برمی‌گردد.

در فصل ۱، به ما گفته شده که این کتاب توسط توماس اسرائیلی نوشته شده است، اگرچه کولمن می‌گوید کتاب او دانش جدیدی از یهودیت را فاش می‌کند. در فصل ۲، عیسی پسر، ۵ ساله، در روز سبت ۱۲ گنجشک سفالی می‌سازد. وقتی با او روبرو می‌شود، دست‌هایش را به هم می‌زند و گنجشک‌ها پرواز می‌کنند.

در فصل ۳، عیسی در حال بازی در چند برکه آب است. پسر بچه‌ای دیگر آب برکه‌ها را کثیف می‌کند. عیسی پسر بچه را نفرین می‌کند و پسر بچه بلافاصله پژمرده می‌شود.

والدین پسر به یوسف شکایت می‌کنند که تو چه جور بچه‌ای داری؟ در فصل‌های ۴ و ۵، پسر دیگری در روستا به عیسی برمی‌خورد. عیسی او را نفرین می‌کند و او می‌میرد. والدین و دیگران به یوسف شکایت می‌کنند.

. او کودک را سرزنش می‌کند. عیسی با ضربه‌ای کور، متهم‌کنندگان را می‌زند. یوسف گوش عیسی را می‌کشد.

عیسی به یوسف هشدار می‌دهد که از او عبور نکند. در فصل‌های ۶ تا ۸، معلم زکی پیشنهاد می‌دهد که الفبا را به عیسی بیاموزد، اما عیسی او را به خاطر اینکه حتی آلفا را هم واقعاً نمی‌فهمد، سرزنش می‌کند. زکی شرم‌منده، می‌گوید که این کودک زمینی نیست.

شاید او قبل از خلقت جهان آن را فراموش کرده بود. او کودک را به پدرش بازمی‌گرداند. عیسی می‌خندد و نفرین را از روی همه کسانی که قبلاً مورد اصابت قرار گرفته بودند، لغو می‌کند.

آنها می‌ترسند که دوباره او را تحریک کنند. در فصل ۹، عیسی و چند کودک روی پشت بام خانه‌ای بازی می‌کنند. یکی از پسرها از پشت بام می‌افتد و می‌میرد.

والدین عیسی را متهم می‌کنند. عیسی پسر را به زندگی بازمی‌گرداند و او را از مسئولیت مبرا می‌کند. در فصل ۱۰، مرد جوانی که هیزم می‌شکند، پای خود را قطع می‌کند، ۱۰.

عیسی پا را شفا می‌دهد. او می‌گوید: «حالا برخیز، هیزم را بشکن و مرا به یاد داشته باش.» فصل ۱۱، رفتن برای آوردن آب برای مادرش.

عیسی زمین می‌خورد و کوزه می‌شکند، بنابراین او آب را در لباسش برمی‌گرداند بدون اینکه ذره‌ای از آن نشت کند. فصل ۱۲، عیسی، ۸ ساله، با پدرش در حال کاشت است. عیسی یک دانه گندم می‌کارد.

پیمانان گندم می‌دهد که آن را به فقرا می‌دهد. فصل ۱۳، عیسی و پدرش برای مرد ثروتمندی تخت ۱۰۰ چوبی می‌سازند. یکی از تیرک‌ها خیلی کوتاه است، ظاهراً به طور تصادفی خیلی کوتاه شده است.

عیسی آن را به اندازه‌ی مناسب ادامه می‌دهد. در فصل‌های ۱۴ و ۱۵، معلم دیگری عیسی را سیلی می‌زند. عیسی او را نفرین می‌کند و او غش می‌کند.

بعداً، معلم دیگری عیسی را به شاگردی می‌گیرد. عیسی کتاب را برمی‌دارد اما بدون خواندن آن، شروع به تفسیر شریعت توسط روح‌القدس می‌کند و جمعیت زیادی جمع می‌شوند. معلم، عیسی را ستایش می‌کند.

عیسی معلم قبلی را شفا می‌دهد. در فصل ۱۶، عیسی و برادرش یعقوب در حال جمع‌آوری هیزم هستند. یعقوب توسط ماری گزیده می‌شود و در آستانه مرگ قرار می‌گیرد. عیسی بر محل نیش نفس می‌کشد. زخم بهبود می‌یابد و مار می‌ترکد. در فصل ۱۷، عیسی کودک کوچکی را که مرده بود، زنده می‌کند.

فصل ۱۸، عیسی کارگری را که مرده بود زنده می‌کند. فصل ۱۹، عیسی، ۱۲ ساله، در معبد می‌ماند. والدین او را در حال تفسیر کتاب مقدس می‌بینند که بزرگان و معلمان را به سکوت وا می‌دارد.

اعتبار تاریخی این دو انجیل چیست؟ آیا لوقا واقعاً از همه اینها به خاطر حادثه معبد در سن ۱۲ سالگی صرف نظر کرد؟ آیا این وقایع واقعاً با لوقا ۲:۵۲ مطابقت دارند؟ عیسی در حکمت و مقام و منزلت رشد کرد و مورد توجه خدا و انسان قرار گرفت. به نظر نمی‌رسد که عیسی در جاهای مختلف مورد توجه زیادی قرار گرفته باشد، ها؟ آیا این واقعاً با لوقا ۴:۲۲ و ۲۳ مطابقت دارد، جایی که ناصری‌ها با تعجب از سخنان، مهربانانه عیسی گفتند، مگر این پسر یوسف نیست؟ کاری را در خانه خود در زادگاهتان انجام دهید همانطور که در جاهای دیگر انجام دادید. به نظر نمی‌رسد که آنها با شش معجزه دیدنی که عیسی قبل از ۱۲ سالگی انجام داده بود، آشنا باشند ۱۲.

آیا این واقعاً با متی ۱۳:۵۳ تا ۵۸ یا مرقس ۶:۱۶ مطابقت دارد؟ این حکمت و این قدرت‌های معجزه‌آسا از کجا می‌آیند؟ آیا این پسر نجار نیست؟ آیا این با یوحنا ۲:۱۱ مطابقت دارد؟ این معجزه در قانا آغاز نشانه‌های عیسی بود. بنابراین، برداشت من این است که اینها پس از وقوع اختراع شده‌اند و تصاویر واقعی از چیزی که در خدمت عیسی اتفاق افتاده است، نیستند. سایر آپوکریفای عهد جدید

تعدادی از اعمال آپوکریفا باقی مانده‌اند که قدیمی‌ترین آنها مربوط به قرن دوم و سوم میلادی است. اعمال یوحنا، اعمال پولس و تکلا، اعمال پطرس، اعمال اندرو، اعمال توماس و غیره. ظاهراً این اعمال در پی تکمیل اعمال متعارف، سرگرم کردن خواننده و تبلیغ رویکرد الهیاتی خاص خود هستند.

اعمال یوحنا، اندریاس و توماس به شدت شهودی هستند. یعنی ازدواج گناه است و خوب نیست، بنابراین شاگردان ازدواج‌ها را از هم می‌پاشند و توصیه می‌کنند که جز نان و آب چیزی نخورید. در مقابل، اول تیموتائوس ۴:۳ می‌گوید که ارواح اغواگر خواهند آمد و گوشت را ممنوع می‌کنند و با ازدواج مخالف خواهند بود و غیره.

در اعمال آخرالزمانی، داستان‌های معجزه‌آسا نه تنها اغراق‌آمیز هستند و جلوه‌های خارق‌العاده و عجیب و غریبی ایجاد می‌کنند، بلکه اغلب به عنوان واحدهای جداگانه از یکدیگر پیروی می‌کنند و صرفاً به خاطر خودشان نقل می‌شوند. هدف از این کار آشکارا نشان دادن پیشرفت شگفت‌انگیز کلام خدا نیست، بلکه تجلیل از حواریون به عنوان معجزه‌گران است. این گفته‌ی هینپین در کتابش درباره‌ی عهد جدید، جلد دوم، صفحه ۱۷۴ است.

برخی از روایات معجزات پس از رسولان و قرون وسطی. این روایات در کتاب «فرهنگ معجزات» نوشته‌ی ای. کابهام بروئر، منتشر شده در سال ۱۸۸۴، یافت می‌شوند که به صورت رایگان در اینترنت قابل دسترسی است، بنابراین اگر در گوگل جستجو کنید، می‌توانید آن اثر را پیدا کنید. این مجموعه شامل صدها روایت معجزات باستانی قرون وسطی و مدرن از وقایع مدرن تا سال ۱۸۸۴ است که به صورت الفبایی تحت سه عنوان اصلی طبقه‌بندی شده‌اند.

یکی آن‌هایی که از معجزات کتاب مقدس تقلید می‌کنند. دوم، آن‌هایی که متون کتاب مقدس را به تصویر می‌کشند. و سوم، آن‌هایی که اصول عقاید کاتولیک رومی را اثبات می‌کنند.

The Little Bolandists کتاب، Acta Sanctorum، این روایت‌ها از منابع استاندارد کاتولیک رومی که حدس می‌زنم به فرانسوی ترجمه خواهد کرد، چون تلفظ فرانسوی من خوب، Guérin نوشته‌ی گرفته شده‌اند. اول از همه، روایت‌های معجزه‌آسا از، Lives of the Saints، Tinnisman نیست، یا عنوان دارد که 346 صفحه دو ستونی را Brewer 236، معجزات کتاب مقدس تقلید می‌کنند. در اینجا پوشش می‌دهد.

چند مثال انتخاب می‌کنم. سنت بارنابا می‌گوید جسد او کجا پیدا می‌شود. برنابای حواری، پس از سنگسار شدن، به آتش شدیدی انداخته شد تا جسدش سوزانده شود، اما آتش هیچ تاثیری بر آن نداشت و سنت مرقس، در حالی که جسد را به آن سوی دروازه‌های دیوار شهر قبرس می‌برد، آن را دفن کرد.

آنجا تا سال ۴۸۵ میلادی باقی ماند، زمانی که نسفوروس کالیستوس به ما اطمینان داد که روح بر آنتیموس ظاهر شده است. آنتیموس، اسقف قبرس، را احضار کرد و به او گفت که جسدش را کجا باید پیدا کند. اسقف به محل مشخص شده رفت و جسد را به همراه نسخه خطی اصلی انجیل متی، همان نسخه خطی که به دست خود مبشر نوشته شده بود، پیدا کرد. هر دو یادگار به قسطنطنیه برده شدند.

شکوفه‌های نارون مرده. صاحب کلیسای سنت زنوبیا در سال ۴۰۷ میلادی درگذشت. او در حین عبور از آنجا، درخت نارونی را که از پیری خشک و از ریشه خشک شده بود، لمس کرد. به محض اینکه این اتفاق افتاد، تمام درخت پر از برگ شد و پر از گل شد.

مردم با چنان احترامی به درخت نگاه می‌کردند که هر کسی آرزوی تکه‌ای از آن را به عنوان یک یادگار طلسم‌شده داشت و درخت خیلی زود کاملاً بریده شد. سپس ستونی مرمرین در همان محل برپا شد و کتیبه‌ای بر روی آن نوشته شد که آنچه در بالا گفته شد را بیان می‌کرد. وقتی آبجو به درگاه کلیسای جامع سنت ساویور رسید، بی‌حرکت شد و هیچ قدرت انسانی نمی‌توانست آن را به جلو براند، تا اینکه اسقف اندرو قول داد دوازده کشیش پیدا کند تا در کلیسای که برای قدیس متوفی طراحی شده بود، ستایش خدا را بخوانند.

یادگاریها به آواز خواندن می‌پیوندند. یک شب، یک خادم کلیسا، سنت گرگوری لانگرس، که در سال ۵۴۱ میلادی درگذشته بود، را تماشا کرد و دید که او نیمه‌شب از رختخوابش بلند شد و خوابگاهش را ترک کرد خادم کلیسا بی‌سروصدا او را تعقیب کرد و دید که وارد تعمیرگاه شد و در آن خود به خود به روی او باز شد.

، برای مدتی سکوت مطلق حکمفرما شد و سپس سنت گرگوری شروع به خواندن سرود کرد. در همین حین، صداهای زیادی به آنها پیوست و آواز خواندن به مدت سه ساعت ادامه یافت. سنت گرگوری اهل تور ساده‌لوحانه می‌گوید: فکر می‌کنم این صداها از یادگاریهای مقدسی که در آنجا نگهداری می‌شدند، برخاسته بودند.

بدون شک، آنها خود را به قدیس آشکار کردند و در ستایش خداوند به او پیوستند. برخی از اقلام از فهرستی از آثار باستانی ارائه شده توسط جان بردی در سال ۱۸۳۹ هستند، اما هیچ اطلاعاتی در مورد محل هر یک ارائه نشده است. یکی، یکی از زغال‌هایی که سنت لارنس را سوزاند، همان زغالی که سنت لارنس را کباب کرد.

دو، یک انگشت از سنت اندرو، یکی دیگر از یحیی تعمید دهنده، و یکی از روح القدس. سه، دو سر از یحیی تعمید دهنده. چهارم، لبه ردای خداوند ما توسط آن زن لمس شد که از خونریزی او شفا یافت.

پنج، شیشه‌ای از عرق میکائیل مقدس، هنگامی که با شیطان مبارزه می‌کرد. شش، برخی از پرتوهای ستاره‌ای که راهنمای خردمندان بود. هفت، دنده‌ای از کلام که جسم شد.

هشت، یک جفت دمپایی که خنوخ قبل از طوفان پوشیده بود. نه، عیسی بر سر قبر لازاروس اشک ریخت. روایت‌های معجزه‌آسا که متون کتاب مقدس را نشان می‌دهند.

عنوان در ۱۲۸ صفحه دو ستونی. از دهان نوزادان، زمزمور ۸-۲. وقتی سنت اگنس در ۲۰ آوریل ۱۳۱۷ ۱۴۶ درگذشت، زندگینامه‌نویس او به ما می‌گوید که او کامل‌ترین ستایشی را که زمین می‌توانسته است، دریافت کرد، ستایشی مانند ستایش نوزادان از سینه مادر.

زبان نوزادان کوچک باز شد و آنها مرگ سنت اگنس و فضایل او را اعلام کردند و والدینشان با شنیدن صدای آنها از خواب بیدار شدند. خدا روزی رسان خواهد بود، متی ۶:۲۵ تا ۳۳. سنت فرانچی، در قرن هفتم، در تهیه نان برای صومعه سنت مارتین دو لا برتونییر مشغول به کار بود، اما برخی از برادران، از روی حسادت، با آرزوی رسوا کردن او، مواد مورد استفاده در تهیه نان را پنهان کردند.

سنت فرانچی کوچکترین نگرانی نداشت، اما با کشیدن صلیب، شروع به ورز دادن هیچ چیز با هیچ چیز کرد و در زمان لازم، نان خود را در شرایط عالی تهیه کرد. تقدس از یاقوت بهتر است، امثال ۱۵:۳. بدن سنت سیمون استایلیتس، که در سال ۴۵۹ میلادی درگذشت، پر از زخم و پوشیده از کرم بود.

روزی، کرمی از ستون قدیس در پای باسیلیکوس، پادشاه ساراسن‌ها، افتاد و پادشاه آن را برداشت و روی چشمش گذاشت، که در نتیجه آن، کرم فوراً به مرواریدی باشکوه تبدیل شد، آنقدر بزرگ، آنقدر زیبا و از چنان آب زلالی که باسیلیکوس آن را بیشتر از کل امپراتوری خود ارزش می‌داد. برخی از روایت‌های معجزه‌آسا، اصول اعتقادی کاتولیک را اثبات می‌کنند، 20 عنوان که 52 صفحه دو ستونی را پوشش می‌دهند. بدن و خون مسیح.

روزی سنت آنتونی اهل پادوا با بونویل در مورد راز عشای ربانی بحثی داشت. بونویل تبدیل جوهر را انکار کرد و آنتونی به حقانیت آن پایبند ماند. برای متقاعد کردن او، سنت آنتونی از بونویل خواست که قاطرش را ببندد و به مدت سه روز به آن غذا ندهد.

در پایان این روزه، سنت آنتونی یک قرص نان مقدس را به سمت قاطر گرفت و بونویل مقداری جو دوسر به سمت آن پاشید. قاطر توجهی به جو دوسر نکرد، بلکه در مقابل قرص نان مقدس زانو زد و آن را به عنوان خالق و پروردگار خود پرستش کرد. برزخ.

امیلیا پیکیری، قرن سیزدهم، سرپرست صومعه سنت مارگارت بود و خواهران را مجبور می‌کرد که در روزهای روزه، حتی از نوشیدن آب به یاد تشنگی مسیح خودداری کنند. یکی از خواهران، سیسیلیا مارگارت، درگذشت سه روز بعد، او خود را به امیلیا نشان داد و گفت که سه روز در برزخ بوده است تا لکه ننگ تولد را از بین ببرد و در روز سوم، فرشته نگهبانش بر او ظاهر شد و گفت: با این آب، به یاد تشنگی مسیح از روی زمین لکه‌دار شدی و شعله‌های برزخ خاموش شد.

بنابراین، اکنون به شادی‌های بهشت وارد شوید. مریم باکره. سنت جان دمشقی و جوونال، اسقف اعظم اورشلیم، ادعا می‌کنند که آدم و حوا، پیامبران، همه حواریون به جز توماس و بسیاری از فرشتگان در هنگام مرگ مریم باکره حضور داشتند و در مراسم تشییع جنازه به جتسیمانی شرکت کردند.

روز سوم پس از خاکسپاری، سنت توماس آمد و التماس کرد که اجازه دهد به آن بانوی متوفی نگاه کند، بنابراین قبر باز شد. وقتی نگاه کردند، دیدند که جسد ناپدید شده است. به آسمان برده شده بود.

بوی تقدس در جایی که جسد قرار داشت، باقی مانده بود و لباس‌های کتانی که جسد در آنها پیچیده شده بود، با دقت تا شده بودند. حواریون شگفت‌زده شدند، اما می‌دانستند که جسد به آسمان برده شده تا به روح زنده‌اش بپیوندد - برخی از پیامدهای معجزاتی که بروئر ثبت کرده است.

این متن از صفحات مقدماتی او، اعداد رومی ۱۹ تا ۲۳، انتخاب و سازماندهی مجدد شده است. این معجزات، اگر واقعاً رخ داده و توسط خدا انجام شده باشند، گواهی بر حقیقت آموزه‌های متمایز کاتولیک رومی هستند. به عنوان مثال، جهان به دو پادشاهی تقسیم شده است.

پادشاهی خدا، کلیسای کاتولیک، که با طرد شیطان در غسل تعمید وارد آن می‌شویم، و پادشاهی شیطان، که نه تنها شامل بت‌پرستان و مسلمانان، بلکه شامل یهودیان و پروتستان‌ها نیز می‌شود. آسیب رساندن به بدعت‌گذارانی مانند لوتری‌ها و کالوینیست‌ها برای مقدسین شایسته است، اما اگر عکس این اتفاق بیفتد گناه است. خارج از کلیسای روم هیچ رستگاری وجود ندارد.

کاهنان آن می‌توانند شما را از گناهانتان پاک کنند. غسل تعمید آن تجدید حیات می‌بخشد. عناصر عشای ربانی واقعاً در بدن و خون عیسی مسیح تغییر می‌کنند و می‌توانند به عنوان غذای معجزه‌آسا عمل کنند.

رستگاری پاداش شایستگی است، از این رو، پایان مشترک زندگینامه‌های قدیسان این است که او به بهشت فراخوانده شد تا پاداش شایستگی‌هایش را دریافت کند. زندگی قدیسان آرمان‌های رمانتیک کمال، از جمله کناره‌گیری از جامعه، ریاضت نفس، خودآزاری، رنج و شهادت، در نظر گرفته می‌شود. یکی از شایسته‌ترین اعمال پرهیزگاری، مجرد ماندن است.

می‌توان شایسته بود، شایستگی را جمع کرد، شایستگی را به دیگران منتقل کرد تا بدی‌های یک گناهکار با انتقال از یک قدیس جبران شود، چیزی که بعدها آموزه‌ی فراخود نامیده شد. اطاعت کورکورانه از مافوق اولین قانون تقوا است، مهم نیست که این دستور چقدر پوچ، چقدر نفرت‌انگیز، چقدر دشوار باشد. کمال یک قدیس زمانی حاصل می‌شود که او هرگونه محبت طبیعی را از بین برده باشد.

هیچ چیز روی زمین نباید باقی بماند، از جمله امیدها، جاه‌طلبی‌ها و عشق آن، حتی عشق به پدر و مادر. یک قدیس نباید هیچ کتاب دنیوی بخواند، به هیچ اندیشه دنیوی فکر کند و به هیچ خیر دنیوی امیدوار باشد. توانایی انجام معجزه، گواه شایستگی است.

دیدن معجزات و ایمان به آنها شایسته است، یا حداقل شک کردن به آنها ناشایست است. معجزات را می‌توان توسط اجساد مردگان، بقایای مردگان و مدال‌ها، و همچنین توسط قدیسان زنده انجام داد. هر یک از مقامات کلیسا، مانند پاپ، راهب بزرگ یا اسقف، می‌توانند اصالت بقایای مردگان را تأیید کنند.

آنها حتی می‌توانند تکثیر شوند. آنها دارای فضایل معجزه‌آسای هستند، هر چقدر هم که کوچک باشند، که می‌توانند منتقل شوند تا یک یادگار بتواند یک یادگار بسازد. مقدسین، پس از مرگ، قدرت شفاعت برای مؤمنان خود را در برابر عرش فیض، درمان بیماری‌ها و بازدید از زمین دارند.

مریم مقدس والاترین، قدرتمندترین و مهربان‌ترین همه قدیسان است. قدیسان آسمانی به کسانی که روی زمین هستند علاقه دارند. آنها دوست دارند که مورد توجه، حمایت، تکریم، تملق و حتی لباس‌های آراسته و مزین به جواهرات قرار گیرند.

نتیجه‌گیری بدون ماشین‌های زمان، ما هیچ راهی برای اطمینان از وقوع هیچ یک از این معجزات نداریم. با این حال، ناسازگاری آنها با معجزات و آموزه‌های کتاب مقدس آشکار می‌کند که اگر چنین چیزی رخ داده باشد، خدا خالق آنها نبوده است.

همانطور که بروئر اشاره می‌کند، کارکرد بسیاری از این معجزات ادعایی، دور کردن کلیسای قرون وسطی از آموزه‌های کتاب مقدس بود. همانطور که در سخنرانی بعدی اشاره خواهیم کرد، به نظر می‌رسد که آنها بسیاری را در رنسانس و بعدها به طور کلی از مسیحیت دور کردند. خوب، اینجاست که این بخش دوم را تمام می‌کنیم، پس این هم از این

احتمالاً زمان خوبی برای ترک کردن است، بنابراین ما سه مورد از آنها را انجام داده‌ایم. چیزهای خیلی عجیبی آنجا هستند. بله، بله، خوب، ما خیلی از آنها را از دست دادیم چون کاتولیسیسم در ایالات متحده اصلاحات زیادی ایجاد کرده است.